



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات

مرکز تهران جنوب

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته فقه و مبانی حقوق

عنوان پایان نامه

معیارهای دادرسی عادلانه از نظر فقه و حقوق

نویسنده: صغری ابراهیمی

استاد راهنما: آقای دکتر حسینعلی قاسم زاده

استاد مشاور: آقای دکتر عابدین مومنی

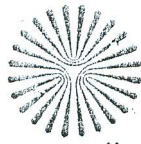
خرداد ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجمع علوم انسانی



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران

شماره
تاریخ
پیوست

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد

خانم صغری ابراهیمی

رشته: الهیات - فقه و مبانی حقوق شماره پروژه: ۶۲۲۶

تحت عنوان:

" معیارهای دادرسی عادلانه از نظر فقه و حقوق "

ساعت: ۱۴:۰۰-۱۱:۴۵

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۰۳/۰۸

درجه ارزشیابی: عالی

نمره: ۱۸ هجده
هیات داوران:

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	داوران
		دکتر حسینعلی قاسم زاده	استاد راهنما
		دکتر عابدین مومنی	استاد مشاور
		دکتر حسین داورزنی	استاد داور
			استاد داور
			نماینده تحصیلات تکمیلی

تهران، خیابان استاد نجات
الهی، نرسیده به خیابان
کریم خان زند، چهارراه
سیند، پلاک ۲۳۲
تلفن: ۸۸۸۰۱۰۹۰
دورنگار: ۸۸۸۹۰۵۳۶
www.tpnu.ac.ir
ensani@tpnu.ac.ir

با تشکر و سپاس فراوان از:

**استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسینعلی قاسم زاده؛ که
راهنمایی رساله را به عهده داشتند و همواره یار و
پشتیبان اینجانب بودند.**

**استاد گرامی جناب آقای دکتر عابدین مومنی، که مشاور
اینجانب در تهیه و تکمیل این رساله بودند.**

تقدیم به:

پیشگاه امام عصر (عج) برگزیده ترین عدالت گستر جهان

چکیده:

نظام قضائی با بکارگیری معیارهای صحیح دادرسی می تواند در برابر بی عدالتی و ظلم ایستاده و در مقابل ظالمان و زورگویان از حقوق مردم دفاع کند و به واسطه عملکردی صحیح حتی در پیش گیری از جرم مؤثر باشد و بدین ترتیب امنیت و نظم اجتماعی و عدالت را برای جامعه به ارمغان آورد. در واقع هدف ما بیان و شناساندن معیارهای صحیح دادرسی و قضاوت در حقوق اسلامی و روابط قضایی و بیان برخی اصول در امور دادرسی از جمله ملاحظه شئون انسانی از طریق بررسی و ریشه یابی اسلامی و فقهی این مسأله است تا زوایای تابناک حقوق اسلامی در سرتاسر جهان برای همگان نمایان شود. در این راستا اهتمام ویژه به دادرسی عادلانه در دین اسلام، لزوم داشتن ویژگیهای علمی و اخلاقی خاص قاضی، داشتن مبنای قانونی و صلاحیت قضایی دیوان رسیدگی کننده به دعوی، استقلال قضایی قضات و پذیرش نقض حکم و استیناف محاکمه به رغم صدور حکم قاضی به عنوان ویژگیهای مورد تاکید در دادرسی عادلانه در شرع مقدس اسلام با استناد به متون فقه و حقوق اسلامی مورد بررسی و استناد قرار می گیرد که با این بررسی توجه ویژه، جامع و مانع حقوق اسلامی به دادرسی عادلانه محرز می گردد و این نکته را یادآور می شود که با اتکا به پشتوانه غنی حقوق اسلامی می توان یک سازمان قضایی ایده آل را جهت تحقق هر چه بیشتر دادرسی عادلانه ساماندهی نمود.

فهرست مطالب

۱	بخش اول: کلیات، مفهوم شناسی و پیشینه دادرسی عادلانه
۲	مقدمه:
۳	بیان مسئله:
۳	اهمیت و ضرورت تحقیق:
۴	اهداف تحقیق:
۴	فرضیه های تحقیق:
۴	سوالات تحقیق:
۵	سوابق و پیشینه تحقیق:
۵	قضاوت در دوران حاکمیت پیامبر اکرم(ص)
۶	قضاوت در دوران خلافت خلفای راشدین
۶	الف- قضاوت در روزگار سه خلیفه اول
۷	ب- قضاوت در روزگار امام علی(ع):
۸	قضاوت در دوران خلافت امویان و بعد آنها:
۹	روش و نوع تحقیق:
۹	فصل اول: مفهوم و قلمرو و دادرسی عادلانه
۹	گفتار اول: مفهوم اصطلاحی
۹	بند یک: دادرسی (Trial)
۱۱	الف: رسیدگی و تصمیم گیری قضائی
۱۳	ب- دعوای مدنی یا کیفری
۱۴	ج- مرجع صلاحیتدار
۱۷	بخش دوم: شرایط و خصوصیات قاضی و مفهوم عادلانه بودن قضاء
۱۸	فصل اول: شرایط و خصوصیات قاضی
۱۸	گفتار اول - اهلیت فتوی یا اجتهاد در دادرسی
۱۹	گفتار دوم- داوری بر اساس تقلید
۲۰	گفتار سوم: دارا بودن عدالت و وارستگی
۲۳	گفتار چهارم: کمال
۲۳	گفتار پنجم: اسلام

۲۳	گفتار ششم: ایمان
۲۴	گفتار هفتم: ذکورت یا مرد بودن
۲۵	گفتار هشتم: طهارت مولد یا حلال زاده بودن
۲۵	گفتار نهم: ضبط و حافظه
۲۶	گفتار دهم: کتابت و قرائت
۲۷	گفتار یازدهم: بینایی و شنوایی
۲۸	گفتار دوازدهم: بی طرفی قاضی:
۳۰	گفتار سیزدهم: ویژگیهای قاضی از دیدگاه امام علی(ع)
۳۰	۱- برتری علمی و عملی و اخلاقی
۳۱	۲- توانایی در احکام قضایی
۳۱	۳- اجتناب از خشم
۳۱	۴- پرهیز از لجاجت و شهادت اخلاقی
۳۲	۵- ژرف اندیشی
۳۲	۶- توقف در شبهات
۳۳	۷- دوری از ساده اندیشی
۳۴	فصل دوم: عادلانه بودن قضاء
۳۶	گفتار اول: عدالت
۳۹	گفتار دوم: محاکمه عادلانه
۴۲	بند یک: آدابی که در محاکمه عادلانه ترکش واجب است:
۴۲	۱- تلقین به نفع یا ضرر یکی از متداعیین
۴۳	۲- مانع شدن از اقرار
۴۳	۳- ممنوعیت تعتبه یا تلقین گواهان
۴۴	۴- حرمت اخذ رشوه
۴۵	بند دو- محاکمه عادلانه در شرایط اضطراری، امکان یا عدم امکان تعلیق
۴۵	بخش سوم: معیارها و تضمینهایی که قانون منظور کرده
۴۹	فصل اول: قانونی و صالح بودن دادگاه
۵۱	گفتار اول: صلاحیت ذاتی و صلاحیت موضوعی
۵۳	گفتار دوم: صلاحیت موضوعی
۵۳	فصل دوم: امتیازات نظام دادگستری اسلامی
۵۴	گفتار اول: نمایندگی قضایی الهی قضات

۵۵.....	بند یک- تفاوت منصب الهی و موقعیت اجتماعی
۵۶.....	گفتار سوم: پایبندی به قوانین الهی
۵۸.....	بند یک: محکومیت قاضی به کفر، ظلم، فسق
۶۰.....	گفتار چهارم: استقلال قضایی قضات
۶۲.....	بند یک: بی طرفی قاضی
۶۳.....	بند دو: مقایسه استقلال با بی طرفی
۶۳.....	گفتار پنجم: رایگان بودن قضاوت و شهادت
۶۴.....	بند یک- حکمت ارتزاق از بیت المال
۶۵.....	گفتار ششم: اعتراض ناپذیری حکم قاضی
۶۸.....	گفتار هفتم: ترکیب دلایل معنوی با قانون
۶۸.....	گفتار هشتم: تساوی در برابر قانون
۷۱.....	بخش چهارم: اصول کلی اخلاقی، حقوقی و اصول ماهوی
۷۲.....	فصل اول: اصل قانونی بودن جرم
۷۲.....	گفتار اول: اصل قانونی بودن مجازات
۷۳.....	گفتار دوم: اصل برائت یا فرض بی گناهی
۷۵.....	بند یک- قلمرو فرض بی گناهی
۷۶.....	فصل دوم: اصول شکلی
۷۸.....	گفتار اول: علنی بودن حکم
۷۹.....	گفتار دوم: اصل سریع بودن دادرسی
۸۱.....	بند یک- نقش و اهمیت محاکمه حضوری
۸۲.....	بند دو- منع محاکمه غیابی
۸۴.....	بخش پنجم: ویژگی‌هایی محیط قضایی
۸۵.....	فصل اول: حقوق مربوط به بازجویی
۸۵.....	گفتار اول: حق سکوت و اجتناب از خود اتهامی یا اقرار به جرم
۸۶.....	گفتار دوم: حق داشتن مترجم
۸۸.....	گفتار سوم: حق داشتن وکیل
۹۰.....	فصل دوم: حقوق متهم
۹۱.....	گفتار اول: دلایل مشروعیت زندان
۹۱.....	الف: قرآن

۹۳	ب: سنت
۹۴	گفتار دوم: تبیین قرارهای محدود کننده آزادی
۹۵	بند یک - قرار التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف
۹۶	بند دو: قرار التزام عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام
۹۷	بند سه - تبیین قرار اخذ کفیل
۹۸	گفتار سوم: تأمین متناسب
۹۸	بند ۱ - منظور از تناسب
۹۸	گفتار چهارم - عوامل متناسب در اخذ تأمین
۹۸	الف - اهمیت جرم
۹۹	ب: شدت مجازات
۹۹	ج: دلایل و اسباب اتهام
۹۹	د: احتمال فرار متهم
۱۰۰	گفتار پنجم: انواع قرار بازداشت
۱۰۰	بند یک - مجازات حبس در اسلام
۱۰۰	بند دو - بازداشت تحت نظر پلیس
۱۰۱	بند سه - بازداشت موقت
۱۰۲	الف - سابقه بازداشت موقت در قرآن
۱۰۳	ب - سنت
۱۰۴	بند چهار - نکاتی درباره قرار بازداشت موقت:
۱۰۵	فصل سوم: حقوق مربوط به دفاع
۱۰۶	گفتار اول: حق آگاهی از اتهام و ادله آن
۱۰۷	گفتار دوم: سوال از متهم
۱۰۷	فصل چهارم: ضمانت اجراهای نقض حقوق
۱۰۷	گفتار اول: حق متهم بر تجدید نظر خواهی
۱۱۰	گفتار دوم: اعاده دادرسی
۱۱۳	نتیجه:
۱۱۶	فهرست منابع:

بخش اول:

کلیات، مفهوم شناسی و

پیشینه دادرسی عادلانه

مقدمه:

در بیش اسلامی، منصب قضا، ظریفترین، حساس ترین، مهم ترین و در عین حال خطرناک ترین مناصب اجتماعی است، و از دیدگاه اسلام در یک نگرش، قاضی نماینده خدا و با فضیلت ترین انسانهاست و بنابراین فاصله میان قضای اسلامی و غیر اسلامی و فاصله میان قاضی شایسته و ناشایسته، فاصله میان جایگاه اعلیٰ علین و اسفل السافلین خواهد بود. موقعیت خطیر و بزرگ داوری اسلامی از دیدگاه اسلام ایجاب می نماید که قاضی، علاوه بر احراز ویژگیهایی که او را شایسته منصب قضا می کند، اموری را در جلسه دادگاه و قبل و بعد از صدور حکم و اموری را در خصوص حفظ حیثیت اجتماعی خود و دیگران رعایت کند.

عدالت و انصاف، مفاهیمی هستند که از دیرباز ذهن بشر را به خود معطوف داشته اند و علمای علوم مختلف از جمله سیاست، جامعه شناسی، فلسفه، دین، اقتصاد و بالاخره حقوق هر یک به فراخور حال، تعاریفی از آن ارائه داده اند.

عدالت در لغت به معنای دادگری کردن و استقامت است. یعنی، مستقیم در مسیر حق ماندن و به سمت جور میل نکردن و انصاف در لغت به معنای نیمه چیزی را گرفتن، داد دادن، و صداقت نمودن، نقطه مقابل انصاف، ظلم است و نقطه مقابل عدل، جور است بنابراین می توان چنین پنداشت که در علم حقوق، عدل احقاق حق است طبق مدّ قانون و موازین طرف قضایی.

شریعت مقدس اسلام برای نخستین بار در تاریخ جهان بشریت، مسئولیت کیفری متهمان را مورد توجه خاص قرار می دهد، صغار و مجانین را از کیفر معاف می کند، مفاهیم قصد و اراده را وارد قلمرو مسئولیت کیفری می نماید و آن را مبنای سنجش اعمال مجرمانه می شناسد و پایه و اساس مسئولیت کیفری را بدان بنا می نهد. با قبول اصل قانونی بودن جرم و مجازات و تقبیح و منع عقاب بلا بیان و تشریح و تبیین اصول و معیار دادرسیها به روشهای خود کلامه و استبدادی موجود پایان می بخشد. اجازه نمی دهد افراد ناشایست و غیر صالح به این مهم اشتغال ورزند و آن را از مسیر حق و قانون و عدالت منحرف سازند و حتی نحوه جریان دادرسی و آداب آن را مشخص می کند تا تکلیف قاضی، شاکی و متهم به وضوح روشن باشد. در باب رسیدگیها روش بسیار ساده و آسان و در عین حال معقول و اصولی را بر می گزیند و آنچنان روشی که داد مظلوم را بستاند و از اجحاف به مظلوم جلوگیری کند.

بیان مسئله:

افراد بشر از جهت پیروی از قوانین جامعه یکسان نبوده و گروهی به قوانین الهی یا بشری که برای نظم و اداره جامعه قرار داده شده احترام می گذارند و گروهی به خاطر ترس از مجازات و کیفر از قوانین خلاف نمی کنند. در این میان افرادی وجود دارند که قوانین جامعه را هتک نموده و نسبت به آن بی حرمتی می کنند که با استفاده از معیارهای دادرسی عادلانه و در نهایت مجازات و کیفر این عده از تکرار جرم جلوگیری شده و موجب تسلی خاطر انسانهایی که ستم بر آنها روا شده است می شود.

از آنجا که نظم و امنیت و بهبود جامعه به تشویق و پاداش نیکوکاران و تنبیه و کیفر خائنان و متخلفان از قانون نیازمند است. اسلام با برنامه های تربیتی و اخلاقی و عبادت و خودسازی از سویی و اصلاح محیط سازنده از سویی دیگر، موجبات جرم و گناه را از بین می برد و از وقوع جنایات پیشگیری می کند. در عین حال باز هم در هر جامعه عده ای خواهند بود که آزادانه اصلاح پذیر نیستند و می خواهند از هر فرصتی سوء استفاده کرده و دست به خیانت و تجاوز به حقوق دیگران بزنند که شارع مقدس اسلام برای جلب منافع و دفع مفاسد و اصلاح این علفهای هرزه، قوانین کیفری عادلانه را مقرر داشته است تا این عده از بیم کیفر و مجازات مرتکب جرائم و جنایات و اعمال خلاف قانون نشوند و در نتیجه در جامعه تجاوزها ریشه کن و نظم و آرامش که بستر آسایش و نیکبختی آدمی است برقرار شود.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

بحث از اهمیت و ضرورت قضاوت و بهره گیری از معیارهای صحیح قضاوت همین بس، که نظام زندگی انسان متوقف به آن است. چرا که ستم گری برخواسته از نفس بشر است و افراد بشر همواره در پی جلب منفعت، در حال نزاع با یکدیگرند، چنانچه عاملی باز دارنده در مقابل نفس نایستد، ستم گری و ظلم اوج گرفته و زندگی بشری به زندگی جنگلی و در نهایت به سقوط منجر می گردد. بنابراین پایگاهی برای فصل خصومت و دادخواهی و رفع ظلم نیاز است. در صورتی که قضات در این پایگاه از شایستگی های لازم برخوردار باشند و با شناخت و به بکارگیری معیارهای صحیح دادرسی می توانند در برابر بی عدالتی و ظلم ایستاده و در مقابل ظالمان و زورگویان از حقوق مردم دفاع کنند و به واسطه عملکردی صحیح حتی در پیش گیری از جرم مؤثر باشند و بدین ترتیب امنیت و نظم اجتماعی و عدالت را برای جامعه به ارمغان می آورند.

امر قضاوت در اسلام از جایگاه بسیار رفیع و مهمی برخوردار است، درجه اهمیت و اعتبار قضاوت در اسلام را می توان با توجه به آیات و روایات وارده کشف نمود به علاوه اسلام برای حفظ حریم قضاوت به بیان احکام و آدابی بسیار دقیق می پردازد که همه این ها بیانگر ارزش فوق العاده قضاوت در اسلام است.

اهداف تحقیق:

از آنجا که ما مدعی هستیم در نظام دادرسی اسلامی اصولی عادلانه و معیارهایی برای دادرسی عادلانه وجود دارد و بر قانونگذاران وضعی است که با الهام گرفتن از آنها به تنظیم و تنسيق آنها پردازند و از طرف دیگر تلاش شده است که به دلیل به روز بودن موضوع و علاقه نویسنده به حفظ و رعایت حقوق والای انسانی به بررسی و ریشه یابی اسلامی و فقهی این مسأله پرداخته شود و زوایای تابناک حقوق اسلامی در سرتاسر جهان برای همگان نمایان شود. در واقع هدف ما بیان و شناساندن معیارهای صحیح دادرسی و قضاوت در حقوق اسلامی و روابط قضایی و دادرسی و بیان برخی اصول در امور دادرسی مثل احترام به متهم و ملاحظه شئون انسانی می باشد.

فرضیه های تحقیق:

۱. آئین مقدس اسلام جهت تحکیم بنیادهای انسانی اجتماعی امت اسلامی به موضوع دادرسی عادلانه، اهتمامی عمیق دارد.
۲. قاضی باید از نظر علمی و اخلاقی دارای ویژگیهایی باشد که بدون آنها حق قضا و صدور رأی را ندارد.
۳. دادگاه یا دیوان رسیدگی کننده به دعوی باید از مبنای قانونی و صلاحیت قضایی که مستلزم ویژگیهایی است برخوردار باشد.
۴. استقلال قضایی قضات یکی از ارکان مهم در دادرسی اسلامی است.
۵. نقض حکم و استیناف محاکمه به رغم صدور حکم قاضی، در دادرسی اسلامی مورد پذیرش است.

سوالات تحقیق:

۱. آیا متهم را به جرم کیفری که اثبات نشده می توان مجبور به شهادت علیه خود یا اقرار به گناه کرد؟ برائت متهم قبل از اثبات محکومیت او چگونه می باشد؟

۲. دلیل تلقین به نفع یا ضرر یکی از متداعیین از دیدگاه دادرسی عادلانه چیست؟

۳. رسیدگیها در دادگاه باید به صورت علنی باشد یا غیر علنی؟

۴. تفاوت بین استقلال قضایی با بی طرفی قضاوت چیست؟

۵. منظور از قانونی بودن جرم و مجازات چیست؟

۶. نقش و اهمیت محاکمه حضوری چگونه است؟

۷. آیا حکم به حبس از دیدگاه دادرسی اسلامی مشروع است؟

سوابق و پیشینه تحقیق:

قضاوت در دوران حاکمیت پیامبر اکرم(ص)

شبه جزیره^۱ در آستانه شکوفایی اسلام، چنانچه گفته آمد، شیوه سازمان یافته ای در دادرسی نداشت. در یک نگاه، می توان گفت که داوری (حکمیت) رایج ترین اصل پذیرفته شده دادرسی به شمار می آمد. پیامبر اکرم(ص) که خود در دوران جاهلیت نیز داوری می کرد، به داوری اهمیت بسزایی می داد. ایشان با حفظ سمت تبلیغ شریعت، منصب قضاوت را نیز به عهده داشت.

پیامبر اکرم(ص) با شیوه ای جدا از داوری دوران عرب به دادرسی می پرداخت، و شیوه های ویژه ای در کشف و شناخت حقیقت و قضیه طرح شده به کار می برد. اما گاه از برخی شیوه های داوری عرب مانند، قرعه کشیدن بهره می گرفت. در میان شیوه های دادرسی پیامبر اکرم(ص) گهگاه به کار برد قیافه شناسی و بهره وری از آگاهی و تخصص قیافه شناسان نیز بر می خوریم.

پیامبر اکرم(ص) سه قوه قانونگذاری، قضایی و اجرایی را به عهده داشتند. ولایت و منصب دادرسی، در روزگار پیامبر، به هیچ روایت از دیگر وظایف و ولایتها جدا نبود. پیامبر(ص) به هیچ کس به گونه ای کلی و همگانی، سرپرستی دادرسی را واگذار نکرد، چرا که دادرسی بخشی و گوشه ای از آن ولایت و سرپرستی بود.

پس از مرگ به اذن، استاندار یمن، پیامبر اکرم(ص) این سرزمین را به ده ناحیه بخش کرد و برای هر کدام استانداری جداگانه فرستاد. نخستین پیام قضایی یا دستور دادرسی پیامبر، همان است که به دو فرستاده خود علی(ع) و معاذ به یمن فرموده است.

۱- ساکت، محمدحسین، نهاد دادرسی در اسلام، ص ۵۴

پیامبر اکرم(ص)، علی(ع) را به عنوان فرماندار و رئیس دستگاه قضایی و سرپرست دادرسی و قاضی آن جا انتخاب کرد و به علی(ع) فرمودند: هر گاه طرفین دعوی به دادرسی نزد تو آمدند، تا سخن هر دوی آنها را نشنیدی به دادرسی مپرداز. چرا که با شنیدن سخنان هر دوی آنها جهت و اصل دعوی برای تو آشکار خواهد شد. آنگاه دست مبارکشان را روی سینه علی(ع) گذاشت و فرمود: پیوسته قاضی خواهد بود و در دادرسی دو دل نخواهی شد.

بررسی شیوه قضاوت در دوران پیامبر اکرم(ص) در خور نگرش و کاوش بیشتری است و بررسی آن در این رسانه نمی گنجد و به همین مقدار بسنده می نمائیم.

قضاوت در دوران خلافت خلفای راشدین

در این گفتار مروری اجمالی بر روند دادرسی و قضاوت، در روزگار چهار خلیفه بعد از پیامبر اکرم(ص) خواهیم داشت.

الف- قضاوت در روزگار سه خلیفه اول

پیامبر اکرم(ص) در سال یازدهم هجری / ۶۳۲ م. به سرای دیگر و به لقاء الله پیوست. ابوبکر، پس از پیامبر به دنبال نشست سقیفه بنی ساعده، جانشین پیامبر شد و رهبری جامعه اسلامی را به دست گرفت. یکی از وظایف رهبر امت اسلامی، چنانکه گفته شد، دادرسی بود. لکن ابوبکر، اکثر پرونده ها را به عمر برای بررسی ارجاع می کرد. لذا در دو سالی که رهبری جامعه را بعهده داشت، دادرسی را به عمر واگذاشت.

ابوبکر در سال سیزدهم هجری / ۶۳۴ م. در گذشت و خلافت را به سفارش خویش به عمر بن خطاب سپرد.

عمر در زمامداری خویش با کشور گشاییها و جنگهای بسیاری روبرو شده گسترش دامنه فتوحات اسلامی و سنگین شدن بار حکومت، موجب شد که امر قضاء رسماً از حکومت و امارت تفکیک گردد و برای هر شهر کسی به عنوان قاضی گماشته شود.

عمر، در کنار استانداران و فرمانداران، قاضیان را به دادرسی استانها گمارد، او تا اندازه ای توانست به دادرسی سامان دهد، اما دانش و استنباط قضایی ویژه ای که امام علی(ع) داشت، عمر را در بسیاری از پیچیدگیها و دشواریها یاری داد.

عمر در هر پرونده و موضوع دشواری که در می ماند از علی(ع) می پرسید و اما قضاوت در روزگار عثمان: در این زمینه باید گفت که آشوبهای روزگار عثمان در کنار خوی اشرافی و تجمل پرستی او همراه با گونه ای حس خویشاوند - نگری مجالی بوجود نیامد تا در پی گسترش سازمان دادرسی اسلامی برآید و یا گامی در این راه بردارد.

هنگامیکه عثمان کشته شد، کوهی از دشواریها و نگرانیها برای خلیفه بعد از خودش بر جا گذاشت. بدنبال تقاضای مردم از علی(ع) برای خلافت، علی(ع) با مردم بیعت کرد و خلافت را بعهده گرفت.

ب- قضاوت در روزگار امام علی(ع):

پس از کشته شدن عثمان و هجوم مردم به در خانه آقا امیرالمؤمنین علی(ع) و بیعت آنها با علی(ع) خلافت و حاکمیت حضرت علی(ع) آغاز می گردد.

بررسی مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در حکومت امام علی(ع)، در خور کنکاش و کاوش، است لکن مسئله مورد بحث ما در این گفتار همان مسائل قضایی حکومت ایشان است. به همین جهت، دستورات و پیامهای حضرت علی(ع) نسبت به مسئله قضاوت، در دوران خلافتشان، نشانگر حساس بودن و پر اهمیت بودن قضاوت است، مورد بررسی قرار می دهیم.

فرمان تاریخی و سرنوشت ساز امام علی(ع) به استاندارد برگزیده خود برای مصر یعنی مالک اشتر نخعی در سال چهارم هجری نگاشته شد.

فرمان علی(ع)، علاوه بر وجود برخی قواعد آیین دادرسی، مشتمل بر نکاتی در گزینش قضات نیز هست که این نکته خود از نظر تاریخ قضای اسلامی حائز اهمیت است.

ترجمه بخشی از این فرمان که مربوط به آیین دادرسی است، نقل می کنیم: (ای مالک) برای دادرسی در میان مردم کسی را برگزین که از دیدگاه تو، افضل و بهترین از دیگران است، کسی که در هیچ کار در نماند و انبوهی کارها او را به تنگنا نکشاند، و پا فشاری دادخواهان او را به ستیزه وادارد، همین که حق و راستی را دریافت، برای بازگشت به آن، فرومانده نشود و این گونه افراد کمیاب هستند. پس، در کار چنین دادرسی نیکو بنگر و آنان را از بذل و بخشش سرشار کن، تا بهانه و انگیزه سستی او از میان برخیزد و به مردم کمتر نیازمند افتد.

(ای مالک) او را جایگاهی نزد خود بخش که کسی از نزدیکانت، در او آز و طمع نکند تا او بتواند از بدگویی مردم در نزد تو امان بماند.

دادرسیهای امام علی(ع) را نمی توان در این کوتاه گفتار به بررسی گرفت. گذشته از کتابهای تاریخی، ادبی، روایی و فقهی، دادرسیهای امام علی(ع) در دفترهایی جداگانه نیز گردآوری شده است. داستان^۱ معروف و مهیج حضور حضرت علی(ع) در زمان زمامداری و خلافتش، در دادگاه شریح قاضی، به همراه یک شخص یهودی و طرح دعوی مالکیت زره و صدور حکم قاضی علیه خلیفه مقتدر اسلام و اعجاب مرد یهودی و بازگشت وی به دادگاه و اقرار به خطای خود در تصرف و مالکیت زره و اعتراف به حقانیت اسلام و بزرگواری و عدالت خلیفه و بالاخره اسلام آوردن او به خوبی می رساند که امیرالمؤمنین علی(ع) بعلت اشتغالات فراوان سیاسی و اجتماعی و به مقتضای مصلحت، به ناچار شخص یا اشخاصی را برای رسیدگی به دعاوی مردم و امر قضاوت بر می گزیند.

قضاوت در دوران خلافت امویان و بعد آنها:

با شهادت علی(ع) و روی کار آمدن امویان و بعد از آنها عباسیان، که بر اساس نیرنگ و حيله بود، صفحات سیاهی را در تاریخ بوجود آورده اند. آنها تحت عنوان خلیفه اسلام، و بنام حکومت اسلامی تا آنجا که توانست ظلم و ستم را اشاعه دادند.

نفوذ و چیرگی دستگاه خلافت، در امور قضایی کشور، بروشنی بچشم می خورد. خلفایی که بر اساس ظلم و بیداد حکومت را بدست گرفتند و قضاوت نیز از سوی خلیفه، برگزیده می شدند و آنها موظف بودند بر اساس فرامین و دستورات حکومت قضاوت کنند.

پیدایش مذاهب چهارگانه تسنن (مالکی، حنفی، شافعی، حنبلی) در روزگار سیاسی آن زمان، روح اجتهاد را به تنگنا کشانید، چرا که قاضی می بایست از چهار چوب اندیشه حقوقی آنها پا را فراتر نگذارد. و نیز فرمانگزاران اموی و عباسی، دامنه آشوب و خودکامگی خود را به سرزمینهای دیگر، از جمله ایران اشاعه دادند.

بدین گونه، سرگذشت دادرسی ایران اسلامی، در پرده تاریکی و ابهام فرو رفت و نیز پیدایش دودمان غزنوی، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، مغولان، تیموریان و صفویان تا مشروطه که دادرسی اسلامی را به همان شیوه پیشین ادامه دادند.

در این روزگاران، نهاد دادرسی به سرایشی افتاد. دورانهای نامبرده نه تنها در بهبود دادرسی نکوشیدند، بلکه این نهاد را به سستی و کژی هم گرایش دادند.

۱- حجتی کرمانی، سیر قضاوت ص ۲۸۵

بعد از این دوران، روزگار فرمانگذاری پهلوی است. این حکومت، از ننگین ترین حکومت ها در کشور ایران بوده و در آن دامنه قانون شکنی و جنایت، بخصوص هجوم به قوانین اسلام و زیر پا گذاشتن عدالت، به اوج خود رسید از جمله موارد آن، قرارداد کاپیتولاسیون یا عدم استقلال قضایی درباره بیگانگان بزهکار، از حوادث آن روزگار بود.

بالاخره قیام ملت مؤمن ایران به رهبری زعیم عالی مقام امام خمینی، به بساط بیدادگری نوکران استعمارگران خاتمه داد. با ایجاد حکومت اسلامی، یکی از مراکز مهم حکومت که دستگاه قضایی آن است، با بوجود آمدن دادگاههای اسلامی و وجود قضات دادگاهها که سعی بر ایجاد و برقراری عدالت در جامعه دارند، نشانگر حساس بودن و پر اهمیت بودن قضاوت در جمهوری اسلامی ایران است.

روش و نوع تحقیق:

روش ما در نگارش پایان نامه روش کتابخانه ای و توصیفی می باشد و با بررسی متون فقهی و تحقیقی در متون حقوقی و با استفاده از منابع فارسی و عربی و استفاده از کتابخانه های مختلف به بررسی تحلیلی موضوعی خود پرداخته ایم و تلاش بر آن بوده است که از منابع اصیل و دسته اول فقهی استفاده شود.

فصل اول: مفهوم و قلمرو و دادرسی عادلانه

گفتار اول: مفهوم اصطلاحی

اصطلاح «دادرسی عادلانه» که معادل «fari Trial» به کار برده می شود ترکیبی وصفی است که برای درک دقیق مفهوم آن به شناخت معنای هر یک از واژه های دادرسی و عادلانه نیاز است.

بند یک: دادرسی (Trial)

سه واژه «دادرسی»، «محاكمه» و «Trial» که به ترتیب واژه های فارسی، عربی و انگلیسی هستند و در اصطلاح حقوقی معادل یکدیگر به کار برده می شوند، و در اصطلاح حقوقی معادل یکدیگر به کار برده می شوند، در معنای لغوی متفاوت به نظر می رسند. واژه فارسی دادرسی مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است^۱.

۱- فرهنگ عمید چاپ اول، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۱۸۸

اما کلمه «محاكمه» که مصدر باب مفاعله از ریشه حکم یعنی قضاوت و فصل خصومت است. قضاوت در لغت به معنی حکم کردن، دادرسی و فصل خصومت است، البته معانی متعدد دیگری نیز برای آن وجود دارد که مرجع تمام این معانی انقطاع، ختم شدن و اتمام است.^۲

لفظ قضاء در لغت بر معنای گوناگون اطلاق می شود از جمله:

قضاء به معنی حکم آمده است: «الله یقضی بالحق»

قضاء به معنی «امر» و «الزام» به کار می رود «و قضی ربک الا تعبدوا الا اياه»

قضاء به معنی «خلق» آمده است: «فقضمن سبع سموات فی یومین»

قضاء به معنی «فراغ» و «اداء» استعمال می شود: «فاذا قضیتم مناسککم»

شایان ذکر است که لفظ «قضاء» به معنای دیگر نیز استعمال می شود ولی آنچه که مربوط به بحث ما می شود همان معنای «حکم کردن» و «داوری کردن» است.

عده ای از فقیهان امامیه در تعریف قضاء گفته اند: آن ولایت و قدرت شرعی است که اختصاص به کسانی دارد که نسبت به جزئیات قوانین شرعی اهلیت فتوی دارند و این ولایت نسبت به اشخاص معینی است که حقوقشان باید اثبات گردد.

عده ای دیگر نیز در تعریف قضا بیان کرده اند که قضاوت همان حکم کردن و داوری کردن بر طبق احکام شرعی می باشد البته از طرف کسی که اهلیت این کار را داشته باشد.

فقیهان حنفی مذهب در تعریف قضا گفته اند که فصل خصومت بین طرفین و قطع منازعه آنها قضاء نام دارد.

شافعیه در تعریف قضاوت می گویند فصل خصومت بین طرفین دعوی است که توسط حکم خداوند صورت می گیرد.

مالکیه در تعریف قضا می گویند: «الاجبار عن حکم شرعی علی سبیل الالزام»

حنبلیه در تعریف قضا می گویند: قضاء بیان کردن حکم شرعی و الزام به آن است.

اما در هر صورت قضاوت آن ولایت و قدرتی است که شارع به اشخاص واجد شرایط می بخشد تا بین مردم به فصل خصومت پردازد.

۲- محمدبن مکرّم ابن منظور الافریقى المصرى، لسان العرب، بیروت، ج ۵، ص ۴۴۹

همچنان که قضاوت نیز موجب ختم دعوا می گردد، قضاء در اصطلاح به دو گونه، تعریف شده است: تعریف اول که با عبارت هایی مشابه از سوی فقهای چون: شهید اول، ابن فهد حلی، ابن طی فقعانی و صاحب ریاض ارائه گردیده است: قضاوت ولایتی شرعی است که متقاضی نفوذ حکم بر طرفین دعوی و تسلط بر مصالح عامه می باشد.^۱

تعریف دوم که نظر بسیاری از معاصرین بر آن قرار گرفته است: عبارت است از حکم کردن میان مردم در هنگام نزاع و فصل خصومت میان آنها.^۲

پس دادرسی خود به معنای رسیدگی به عدل است.

الف: رسیدگی و تصمیم گیری قضائی

به کارگیری دقت و عجله نکردن در صدور حکم و تصمیم گیری با عدم اکتفا به فهم اندک، پایداری بر کشف حقایق و درنگ و تأمل در شبهات، از جمله شروطی است که امام علی(ع) ضمن نامه معروف خود به مالک اشتر، در مورد قاضی فرمودند.^۳

عدم اعتماد به اقراری که بدون آگاهی شخص از قانون صورت گرفته است، گاه ممکن است متهم بر آنکه از پیامدهای قانونی اقرار خویش و یا مجازات قانونی جرم اتهامی آگاه باشد، اقدام به اقرار کند، به گونه ای که اگر از این موارد آگاهی داشت چنین نمی کرد. امام علی(ع) هر گاه کسی نزد او اقرار به گناهی می کرد، از او می پرسید آیا آیه تحریم را در مورد آن عمل شنیده است، چنانچه پاسخ او منفی بود، رهایش می کرد.^۴

رعایت مصالح جامعه در هنگام رسیدگی و تصمیم گیری قضایی، اگر مجازات ضرورت اجتماعی است، مثل هر ضرورتی باید به قدر متقین آن اکتفا شود، و نباید فراتر از آنچه برای حمایت از جامعه در برابر آثار زیانبار جرائم لازم است، برود. بنابراین آثار و پیامدهای حکم نباید از نظر دور داشته شود. قوانین باید به گونه ای اجرا شود که اهداف پیش بینی شده برای آنها به نحو مطلوب تحقق یابد.^۵

۱- محمدبن مکی عاملن الدروس اقم: مؤسسه نشر اسلامی ج ۲ ص ۶۵

۲- محمد اسحاق الفیاض، منهاج الصالحین ج ۳ ص ۲۳۳

۳- دادرسی عادلانه مصطفی فضائی ص ۱۰۸

۴- همان ص ۱۰۸

۵- ری شهری - محمد، موسوعه امام علی(ع) ج ۴، ص ۲۶۴